

۱۶۱۱۳۸۹
۹۷/۲/۲۳

حبیب

انسان شناسی دفاع مقدس

دکتر محمد عارف



انتشارات طوری

سرشناسه	: عارف، محمد، ۱۳۴۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: حبیب: انسان‌شناسی دفاع مقدس/ محمد عارف.
مشخصات نشر	: تهران: طهوری، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۸۸ ص.: مصور (رنگی).
شابک	: 978-600-5911-53-4
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
موضوع	: جواهری، حبیب، ۱۳۴۳ - ۱۳۶۵.
موضوع	: داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian fiction -- 20th century :
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- داستان
موضوع	: Iran-Iraq War, 1980-1988 -- Martyrs -- Fiction :
موضوع	: شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
موضوع	: Martyrs -- Iran -- Survivors -- Diaries :
رده بندی کنگره	: ۱۳۰۷ ح ۲ ۴۴۵ الف / PIR۸۱۴۸
رده بندی دیویی	: ۱۳۳ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲۱۰۶۲۱



انتشارات طهوری

شماره ۱۳۰۴، خیابان انقلاب، صندوق پستی ۱۶۴۸-۱۳۱۴۵
تلفن ۶۶۴۰۶۳۳۰ - ۶۶۴۰۶۳۳۱

حبیب

انسان‌شناسی دفاع مقدس

دکتر محمد عارف

چاپ اول، ۱۳۹۷

طراح جلد: وحید گلستان

صفحه‌آرایی: علم‌روز

امور فنی و ناظر چاپ: بهروز مستان

تیراژ: ۱۶۵ نسخه

حق هرگونه چاپ و انتشار برای انتشارات طهوری محفوظ است.

این کتاب فروشی نیست و فقط به صورت هدیه عرضه می‌گردد.

فهرست مطالب

.....	سخن نویسند	۵
.....	فصل نخست: درآمدی بر ادیان شاسی دفاع مقدس	۹
.....	فصل دوم: گفتگو در بیست کرچه باغ	۳۵
.....	کوچه باغ اول: جواهری ها	۳۷
.....	کوچه باغ دوم: «آهوی خوب قلب من»	۴۴
.....	کوچه باغ سوم: عاشقانه ها	۴۷
.....	کوچه باغ چهارم: درودی بدون بدرود	۵۶
.....	کوچه باغ پنجم: دانشکده انسان شناسی جنوب	۵۹
.....	کوچه باغ ششم: چوپانی مهندس	۶۱
.....	کوچه باغ هفتم: ای ساربان آهسته ران	۶۵
.....	کوچه باغ هشتم: دوجرخه قدرت اله	۷۱
.....	کوچه باغ نهم: من شیطنت می کردم، او نه	۸۰
.....	کوچه باغ دهم: اسمش حبیب بود	۸۹
.....	کوچه باغ یازدهم: «برید از اونا پرسین که ندیده ها رو دیدن»	۹۴
.....	کوچه باغ دوازدهم: ظهر تابستان است و چه تابستانی	۹۷
.....	کوچه باغ سیزدهم: رویای صادقه	۱۰۳

۱۰۵ کوچه باغ چهاردهم: دهکده لکان

۱۱۲ کوچه باغ پانزدهم: حبيب سيد محسن

۱۱۷ کوچه باغ شانزدهم: نمره نقاشی مهدي

۱۲۱ کوچه باغ هفدهم: تو بودی و من بودم و دجله و ماه بود

۱۲۶ کوچه باغ هیجدهم: جنگ و دانش

۱۲۹ کوچه باغ نوزدهم: روزگار غریبی ست حبيب جان

۱۳۳ کوچه باغ بیستم: قلک عیدی

۱۴۱ فصل سوم: نام ها، سان ها: (تجزیه و تحلیل داده ها)

۱۶۹ نتیجه گیری

۱۷۳ فهرست گفته ها

۱۷۵ منابع

۱۷۷ نمایه

سخن نویسنده

از این که خداوندگار، پهلوانی ها یک بار دیگر افتخار آشنایی با یکی از جاودانه های دفاع مقدس را به نجانب ارمغانی داشته، به خود می بالم و از اینکه بیش از سه سال در باره اسرار گذار حبیب پژوهش داشته ام و در این راه توانسته ام پاره ای از پله های پرتلاطم حجب را با جان و دل به نگارش در آورم، فراوان خرسندم.

وقتی به حبیب و به رد پاهایش از چوستانی در دهکده کم جمعیت شاهین تا جزیره جنگی فاو می نگرم، به روشنی دریایی بازمی گم که او نیز از آسمان به زمین نیامده، و تافته جدا بافته هستی نبوده است. حبیب هم مانند همه بچه های ایران، ساده و بی پیرایه و معمولی، زاده شده، درس خوانده، کار کرده، در کنکور شرکت کرده، برای دفاع از کشورش به دفاع پرداخته، و به تدریج چشم دل خود را بر آن چه باید، گشوده و بر آن چه نباید بسته تا بتواند راه رسیدن به لحظه ها را به خوبی بینماید و در این میان به حقیقتی دست یافته که تا سر منزل مقصود همراهی اش کرده است؛ گام به گام و منزل به منزل، از مزرعه تا فاو، نه کمتر و نه بیشتر. نامه های حبیب نشان از تنگی قفسی دنیوی دارد، اما یاد هایش به گستردگی روحی است که فقط خودش می داند و بس. حبیب پیاده و زمینی و معمولی، مانند هر انسانی در

هر جایی از زمین، برای رسیدن به آرزوهایش تمرین می‌کند و مانند هر انسانی می‌کوشد در مدرسه و کار و خانواده و جامعه موفق باشد. او هم منتظر لحظه‌ها می‌ماند و لحظه‌ها را می‌سازد و هم گاهی نیز متوقف می‌شود و در این راه از چوپانی در روستا گرفته، تا مهندسی شرکت نفت آبادان، گام‌های خود را نیز گاه‌گاهی متوقف می‌کند، می‌ایستد و باز هم از سر می‌گیرد. حبیب انسان خارق‌العاده‌ای نبوده است اما در طول عمر خود کوشیده که انسانی نیک باشد. دروغ نگوید، تهمت نزند، تبیل نباشد، خردگرا نباشد، با حقوق خانواده و مردم را رعایت کند و مطابق آن چه وجدانش می‌گوید انجام دهد. حبیب می‌داند که از آسمان به زمین نیامده، بنابراین مانند هر انسانی خطاهایی هم مرتکب شده و در درس و مدرسه هم نمرات ضعیفی داشته و در مشروط هم می‌شود. او بارها در کارهایش شکست می‌خورد و کوچک می‌شود، طرد می‌شود و گاهی نیز برجسته و شاخص و گرانقدر می‌گردد. شکست‌ها و پیروزی‌های روزگار، حبیب را منزوی یا خودبزرگبین نمی‌کند.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که حبیب به مرور زمان، شرط رسیدن به آسمان را یاد می‌گیرد، پس رنگ هم در لباس‌هایش معنا پیدا می‌کند، در نامه‌هایش نشان از تکامل‌گرایی احساس و اندیشه‌اش پنهان دیده می‌شود، و به مرور زمان به گفت‌وگوهایش جانی تازه بخشد. او گاه به گام با دانشی محسوس عاشق می‌شود و دیری نمی‌پاید که با خاطره آلوده‌تر از دل‌بستگی‌های موجود، رخت بر می‌بندد. حبیب راز مقدس شدن را در لحظه‌لحظه‌های چوپانی، کشاورزی، کارگری، دانشگاهی، تا جان‌فشانی در سرزمینی جنگ‌زده به نام کربلای چهار، و در میدان‌گاهی پر از مرگ به نام جزیره سهیل، فرا می‌گیرد. حبیب در گذاری سهمگین بین درون و بیرون می‌ماند و به مرور زمان می‌فهمد که بر قطاری سوار شده که به مقصدی

بی‌زمان و بی‌مکان در حرکت است. وی در یکی از ایستگاه‌های میانه راه در می‌یابد که شرط رسیدن به آسمان، دل‌کندن از زمین است و نتیجه می‌گیرد که همه این‌ها از رسوم بنیادین عشق‌بازی است. بنابراین مناسک گذار را درک می‌کند و ریزریز از زمین جدا می‌شود. پله‌پله برای ملاقات خدا گام بر می‌دارد. کلامش تغییر می‌کند. نگاهش عاشقانه می‌شود و بیانش عالمانه‌تر. دیر نمی‌باید که از دیروزش جدا می‌شود و دیگر حبیب روزهای شاهین نمی‌شود. حبیب در آیین‌های روحانی و معنوی گذر از گذارها، به جوانی مؤدب، حق‌شناس، پیشرو در وادی علم و دین و جامعه تبدیل می‌گردد. نامه‌هایش فراوانی می‌آید. سیال‌تر می‌شود و گام‌به‌گام در رویارویی با پدیده‌های هستی، جانی تازه می‌گیرد. او زمان می‌دهد که از درون پر از غوغای شدن، و از بیرون همواره روستایی حاکم، ساده و دست‌یافتنی است.

بیست کوچه‌باغ پیش‌رو از حرم انسان‌شناسی دفاع مقدس، بیانگر گذار حبیب، از هر کوی و برزنی در حوزه کوتاه بیست و چند ساله‌ای است که فراوری وی قرار گرفته و او نیز به مراتب کوشیده که در حد توان خود، دانش و دین و ادب را در هم بیامیزد.

کتاب حبیب، حاصل سه سال پیوسته، کوشش نگارنده به همراه تیمی دانشگاهی در راستای گردآوری داده‌ها از سه روش پژوهش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی (کتابخانه‌ها، گردآوری اسناد دست‌اول در روزنامه‌ها و مطالعات میدانی در هر گوشه‌ای از ایران) بوده، سپس با تکیه بر نظریه‌های انسان‌شناسی نمادین در سه گفتار مستقل و در عین حال همسو تحلیل، تفسیر و تدوین گردیده است. انگیزه مطالعات حبیب‌شناسی در حوزه دفاع مقدس به تابستان نود و سه بر می‌گردد که نگارنده در جوار حرم پاک ضامن آهو و به اتفاق همکاران دانشگاهی، در حال غرق شدن در نوای دلنشین نقاره از گلدسته‌های امام رضا (ع) بوده است. این پژوهش‌نامه حاصل آن اتفاق

مبارک است، که دورهٔ ایده‌پروری، مطالعات اسنادی، میدانی، تجزیه و تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری آن به سه سال می‌انجامد. اینک نیز که با کسب اجازه از محضر سالار شهیدان امام حسین (ع) برگ نهایی انسان‌شناسی دفاع مقدس با نام جانباز شهید کربلای چهار، حبیب جواهری به پایان می‌رساند، شب عاشورای سال هزار و سیصد و نود و شش شمسی است. بنابراین، نگارنده، برید دو اختر تابناک آسمان امامت و ولایت، را با نشانه‌هایی انسان‌شناسانه از رفتارشناختی که در بیست کوچه‌باغ از حبیب و در باب حبیب گردآوری و خوش کرده، به آن‌ها را نشانه‌ای روشن، از نمادها و تمثیلات و برکات خداوندگار پربار، می‌داند. نشانه‌هایی که در پیرامون انسان‌ها فرود می‌آیند، که چیزی بگویند راه‌گشای کورراه‌های زندگی‌ها بشوند.

از تک‌تک هدایان گرانگ پژوهشی‌ام: وحید گلستان، الهام عارف، نیره مسعودی، ماه‌نوش نصاری، سارا اشتری، زهره شهناز، محمدرضا گلستان، صابر خلیلی، محسن سرمدی، راحله درم‌بخش، فاطمه منصوری، مهدیه پورشاهین، فائزه قنبری، بهنام خیامی، احمد موسایی سنجر، اکرم ابوالحسنی، مهزیار موسوی، مریم لشری و نیره حسن‌پور را که از آغاز پژوهش تا این لحظه، حبیب و اینجانب را تنها نگذاشته‌اند، سپاسگزارم و نیز اهتمام احمد طهوری را در خوانش و چاپ کتاب حبیب، شمیم می‌شمارم.

محمد عارف

پاییز هزار و سیصد و نود و شش. تهران